

انتخابات دراکولاهای اسلامی مبانی یک سیاست انقلابی

سیاوش دانشور

صفحه ۳

اعلامیه حزب حکمتیست

اعتصاب مجدد کارگران گروه ملی فولاد اهواز

صفحه ۵

کمونیست می پرسد؛

اهداف گسترش جنگ و حملات نظامی در منطقه چیست؟ فلسطین، یمن، عراق، سوریه، پاکستان

صفحه ۶

یادداشت

فیل موش زائید! حکم دادگاه لاهه

آذر ماجدی

صفحه ۸

گزارشی از تظاهرات ضد فاشیسم در آلمان!

امیر عسگری

صفحه ۹

گزارشات مبارزات کارگری و جنبشهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری و آرش کلهر

صفحه ۱۰

زنده باد شوراهای!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراهای را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

۷۳۵

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

جمعه ۶ بهمن ۱۴۰۲ - ۲۶ ژانویه ۲۰۲۴

جنایتکاران اسلامی دوباره خون

ریختند

اعدام بقایان را حفظ نمی کند

روز سه شنبه دوباره ناقوس مرگ به صدا درآمد. با اذان صبح دیگر حکامان قاتل تناب دار را بر گردن جوان دیگری انداختند و به قتل رسانند. این جوان پر شور و عاشق زندگی محمد قبادلواز معترضان خیزش انقلابی ۱۴۰۱ است که بعد از یکسال اذیت و آزار و شکنجه و تهدید به مرگ، بلاخره او را کشتند و خانواده دیگری را به خاک سپا نشانند. همان روز فرهاد سلیمی زندانی سیاسی نیز در زندان قز الحصار بعد از ۱۴ سال زندان توسط جانیان اسلامی اعدام شد. روزی نیست که جمهوری اسلامی برای بقای حکومت سراسر ننگینش دست به جنایت نزند. چند روز پیش یک زن جوان دانشجو به اسم آناهیتا امیرپوراهل کوهدشت با شلیک مستقیم نیروهای لباس شخصی اداره اطلاعات در شهر بروجرد به قتل رسید، همراه او جوانی به اسم جلالی پوردر همین سانحه در درون ماشین به شدت زخمی و در بیمارستان تحت مراقبتهای پزشکی قرار دارد.

اینها تنها گوشه ای از جنایات رژیم آنچه آشکار شده می باشد. این رژیم خونخوار روزانه به غیر از جنایت و دستگیری مخالفین و اذیت و آزار زنان و بی حرمتی به آنان کار دیگری ندارند. تنها در یک ماه گذشته بیش از ۷۰ زندانی و در سال گذشته بیش از ۷۵۰ نفر طبق برآورد سازمانهای حقوق بشری در شهرهای مختلف اعدام شده اند و

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



حاضرند بیشتر خون بریزند. این حکومت در ظاهر مقتدر که همه را تهدید می کند، فقط زورش به مردم بی دفاع و جوانان اسیر در زندان می رسد. در مقابل رقیب منطقه ای و جهانی اش که فرماندهانشان را می کشند، هیچ غلط زیادی نمی خورند و زورشان فقط به مردم بی دفاع می رسد. موشک می فرستند و می کشند و یا به قتل می رسانند.

این رژیم باید برود و سرنگون شود آنهم به دست مردم معترض، کارگران، جوانان، زنان. این رژیم باید سرنگون شود چون ادامه حیات آن مترادف است با فقر و فلاکت بیشتر، قتل و کشتار بیشتر جوانان.

بعد از اعدام محمد قبادلو و فرهاد سلیمی موجی اعتراض به این جنایت در داخل و خارج آغاز شد. تعدادی زیادی از زندانیان سیاسی در داخل و خارج زندان از جمله توماج صالحی در اعتراض به اعدامهای اخیر و ادامه این جنایات دست به اعتصاب غذا زده اند. به این مبارزه به شیوه های مختلف برای توقف اعدام تا جaro کردن تمام و کمال رژیم سرمایه داری اسلامی باید ادامه داد.



سر دبیر

کسانی که در ارتباط با اعتراضات ۱۴۰۱ احکام اعدام آنان به اجرا درآمده است

 سیدمهرداد حسینی سن: ۳۹ سال کرج اتهام: «افسوس» در ارتباط با اعتراضات پرونده: کشته شدن روح الله مجیدی تریخ اعدام: ۱۷ دی ۱۳۹۹	 محمد مهدی مودی سن: ۲۲ سال کرج اتهام: «افسوس» در ارتباط با اعتراضات پرونده: کشته شدن روح الله مجیدی تریخ اعدام: ۱۷ دی ۱۳۹۹	 محمّد شکاری سن: ۲۳ سال تهران اتهام: «مبارزه» به دلیل بستن خیابان ستارخان تریخ اعدام: ۱۷ آذر ۱۳۹۹	 مجدد رحما رهنورد سن: ۲۳ سال مشهد صدور کفرخواست، در ارتباط با پرونده کشته شدن روح الله مجیدی تریخ اعدام: ۲۱ آذر ۱۳۹۹
 مجدد میرزایی سن: ۳۷ سال اصفهان اتهامات امنیتی از جمله «مبارزه» از طریق «کشتن سقا» و سایر فعالیتها تریخ اعدام: ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۲	 مجدد کارامی سن: ۳۷ سال اصفهان اتهام: «مبارزه» از جمله «مبارزه» از طریق «کشتن سقا» و سایر فعالیتها تریخ اعدام: ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۲	 مجدد کارامی سن: ۳۷ سال اصفهان اتهام: «مبارزه» از جمله «مبارزه» از طریق «کشتن سقا» و سایر فعالیتها تریخ اعدام: ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۲	 مجدد کارامی سن: ۳۷ سال اصفهان اتهام: «مبارزه» از جمله «مبارزه» از طریق «کشتن سقا» و سایر فعالیتها تریخ اعدام: ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۲

جنایتکاران اسلامی دوباره خون ریختند

اعدام بقایان را حفظ نمی کند

زندانیان سیاسی دیگری همچون رسایی و مجاهد کورکور و چندین زندانی سیاسی از دستگیر شدگان خیزش انقلابی معروف به "بچه های اکیاتان" در صف اعدام قرار دارند. جنایات رژیم اسلامی حد و حصر ندارد و میتوان لیست بلند بالایی از جنایت هارا لیست کرد.

چرا این همه جنایت، چرا این همه خون ریختن

رژیم اسلامی سرمایه داران با قلع و قمع و سرکوب و وحشیانه موقت از زیر ضرب خیزش انقلابی ۱۴۰۱ در رفت و خود را نجات داد. اما سران حکومت جنایتکار اسلامی خوب می دانند که این پایان ماجرا نیست، می دانند که میلیونها مردم معترض و متفراز اسلام و جمهوری اسلامی و قوانین متحجر اسلامی به کمین نشسته اند و مترصد شرایط مناسبی هستند که دوباره بر خیزند و کارنا تمام را تمام کنند. اگر سرکوب و جنایت می توانست مردم را ساکت کند و به این اوضاع فلاکتبار رضایت دهند لابد خیزش ۹۶ و ۹۸ و ۱۴۰۱ اتفاق نمی افتاد. جمهوری اسلامی ۴۴ سال است که جنایت می کند و هیچ دوره ای از سیاست سرکوب و اعدام کوتاه نیامده، با این وصف دهها خیزش برای به گور سپردن این دایناسورهای اسلامی صورت گرفته و جامعه در تب و تاب برآمدهای دیگری است. با این افاق جمهوری اسلامی به مصاف زنان، جوانان، کارگران و بازنشستگان آمده، اعدام می کند و جنایت می کند تا موقت هم شده بقای خود را تضمین کند.

اما این پایان ماجرا نیست. نه اوضاع منطقه و جهان و نه اوضاع متحول جامعه ایران هیچکدام به نفع جمهوری اسلامی عمل می کند. نفرت از جمهوری اسلامی نه تنها در جغرافیای ایران، هزاران کیلومتر از مرزهای ایران و در میان افکار عمومی و مردم آزادیخواه جهان به عنوان حکومتی تروریست، جنایتکار و ضد بشری نقش بسته است. خیزش انقلابی که نظام جنایتکار اسلامی را تا پردگاه مرگ جلو برد و برای ماهها افکار عمومی جهان را به خود معطوف کرد و دیدند که برای اولین بار در تاریخ زنان و جوانان و مردم آزادیخواه چگونه به مصاف یک حکومت مذهبی جنایتکار و تا دندان مسلح رفتند و روند نوینی را در ایران و منطقه به نفع آزادیخواهی و کوتاه کردن دست اسلام سیاسی از زندگیشان آغاز کردند. این روند انقلابی بر تارک جامعه ایران و منطقه و جهان نقش بسته و غیر قابل برگشت است. جمهوری اسلامی اکنون برای ادامه بقا چاره ای جز سرکوب ندارد اگر نه حکومتش در اسرع وقت ساقط خواهد شد.

این مصاف ادامه دارد، هم رژیم اسلامی و هم مردم آزادیخواه تشنه تغییر خوب می دانند نه رژیم اسلامی می تواند به این شکل به حاکمیت سیاه خود ادامه دهد و نه مردم می توانند این زندگی پر از فقر و فلاکت و حقارت را تحمل کنند. هیچ تحولی بدون هزینه نیست. مرگ محمد قبادلو و صدها زن و جوان انقلابی که جان خود را در راه آزادی و برابری از دست دادند هزینه این تقابل سخت برای گذر از جمهوری اسلامی است. محمد قبادلو بدون شک آخرین قربانی این تلاش مبارزه نیست. حکومت اسلامی کوچکترین خاصیتی برای بشریت ندارد. حکومتی یک مشت دزد و جنایتکار و فاسد که برای حفظ نظامشان

مرگ بر جمهوری اسلامی!



جسته و تجارتخانه اسلام و صنعت دین هر جا کم آورده به ناسیونالیسم آویزان شده است. در آن مملکت صد سال است که از کارخانه اسلام و ناسیونالیسم دیکتاتوری پشت دیکتاتوری تحویل مردم ایران داده اند. هر کسی با هر دلیل و توجیهی از جمله "بخاطر ایران" به جنایتکاران دستچین شده و امتحان پس داده "رای" میدهد، انگشت در خون عزیزان جانباخته میکند و به حکومت خامنه ای ها مهر تائید میزند.

سیاست "تحریم" اصلاح طلبان

مؤلفه‌های وضعیت سیاسی و امواج نفرت عمومی از حکومت اسلامی، حتی کارگزاران قدیمی و مبلغین سینه چاک "شرکت در انتخابات" را به موضع "تحریم" رانده است. "جبهه اصلاحات" با اما و اگر دنبال سهم اند و نرخ شان را برای "مشارکت" تعیین میکنند. از "انتخابات آزاد" (یعنی تقسیم سهم و قدرت برای خودی های نظام) سخن میگویند. کافی است خامنه ای تکه استخوانی جلویشان بیاندازد تا دوباره دشنه‌ها را در جیب بگذارند و مشغول عتربازی برای انتخابات شوند. این طیف شرکای سفره خون و استثمار که بیشتر از خامنه‌ای از برآمد انقلابی وحشت کرده اند، "مشارکت وسیع" را در گرو بند و بستن با خامنه‌ای میدانند. هم خانواده‌هایشان در آپوزسیون و حاشیه رژیم، در اتاق انتظار تاملین شرایط برای دولت انتقالی و "انتخابات آزاد برای مجلس موسسان" خمیازه می‌کشند. "مجلس ملی"، "مجلس موسسان"، که نام دیگر مجلس نمایندگان طبقه بورژوازی برای اعاده نظم است، نه ربطی به امر آزادی دارد و نه سرسوزنی به اختیار و دخالت آزاد، مستمر و مستقیم شهروندان در سرنوشت سیاسی‌شان مربوط است. مجلس موسسان آخرین خندق و سنگر برای تقابل با روند انقلابی و تحمیل سازش به آن، برای بازسازی نظامی که مورد هجوم مبارزه انقلابی است، برای تامین منافع استثمارگران و طبقه فاسد بورژوازی است.

اسطوره صندوق رای

صندوق رای بطور کلی و مستقل از زمان و مکان برای بسیاری ایده‌آلیزه شده است. ظاهراً نفس انتخابات مورد سوال نیست. مگر نه اینست که مردم با "رای" شان در سیاست دخالت می‌کنند؟ ظاهراً صندوق رای آن چراغ جادو است که در خود حق و آزادی تولید میکند! این یک دروغ آشکار و عوامفریبی محض است. ما بعنوان کمونیست کارگری و حکمتیست همواره تاکید کرده‌ایم که در هیچ جای تاریخ واقعی، آزادی از صندوق رای حاصل نشده است. آزادی در هر سطحی تاریخی محصول عمل انقلابی بوده است. "صندوق رای" بخودی خود برای کسی آزادی و برابری و حرمت و حقوق نمی‌آورد. صندوق رای و انتخابات، آنهم نه انتخابات بورژوازی که نماد سلب اراده از شهروندان است بلکه انتخاب مستمر و مستقیم شهروندان آزاد در سیستم حکومتی مبتنی بر شوراها، میتواند تجلی یک انتخاب برابری آزاد و اعمال اراده شهروندان باشد. نکته مهمتر اینست که در یک جامعه در حال تحول و جنگ برسر بود و نبود نظام منحت اسلامی، انتخابات تنها میتواند فصل آخر یک پروسه سیاسی مادی و واقعی مبارزاتی باشد. صندوق رای و ادای انتخابات در آوردن آنهم در جامعه‌ای که نفس زندگی و زن بودن جرم است و بجز درصد ناچیزی از بورژوازی طفیلی همه ممنوعه و "منحله" اند، مسخره‌تر از مسخره است. مبلغان "صندوق رای و انتخابات" در شرایط استبدادی و سرکوب عریان و اعدام و قتل سریال دولتی، تنها صفت مزبور قلم به مزد و دشمنان آزادی واقعی‌اند. صندوق رای و "انتخابات آزاد" مد نظر این حضرات سیاست تقابل با روند انقلابی، کوتاه کردن دست مردم "عادی" از سیاست و واگذاری آن به "نخبگان"، سیاست تحمیل نقطه سازش بورژوازی به پرولتاریا در دوره انقلابی است.

سیاست انقلابی و کمونیستی کارگری

"انتخابات دراکولاهای اسلامی"

مبانی یک سیاست انقلابی

سیاوش دانشور

روز جمعه ۱۱ اسفند ۱۴۰۲، "انتخابات" دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی همزمان با انتخابات ششمین دوره مجلس "خبرگان رهبری" برگزار میشود. قرار است در این نمایش مُضحک میان عده‌ای سرمایه دار، فاسد و اختلاسگر، قاتل و شکنجه‌گر از ابواب جمعی رژیم اسلامی، برای تصاحب ۲۹۰ کرسی مجلس اسلامی و همینطور دایناسورهای موسوم به "خبرگان رهبری"، قدرت و ثروت میان باندهای حاکم برای دوره دیگری تجدید تقسیم شود.

در ایران و بویژه بعد از برآمد انقلابی شهریور ۱۴۰۱، هر سوالی به اعتبار چهارچوبهای پیشین قابل توضیح نیست. حقایقی که کمونیسم کارگری و حزب حکمتیست در باره ماهیت و محتوای مضحکه "انتخابات" در رژیم اسلامی گفته است، مدتهاست به یک داده و آگاهی توده ای سیاست ایران بدل شده است. امروز گفتن واقعیتی از جمله: "در ایران انتخابات حتی با مینیمم معیارهای یک انتخابات بورژوازی وجود ندارد"، "این یک نمایش مُضحک کرونولوژیک برای کسب مشروعیت فرمال حقوقی است"، "این بند و بست جناح‌ها و باندهای اسلامی برای تعیین سهم در کرسی‌های مجلس لغت و لیس است"، "منطق بد و بدتر هدفی جز تداوم اوضاع آسفار کنونی ندارد و تنها ماشین سرکوب را روغنکاری میکند"، "شرکت در این سناریوی تحقیر عمومی با هر محاسبه‌ای اشتباه است"، اگرچه حقایق عمیقی را بیان میکنند اما از شرایط زمانه عقب اند. میتوان و باید روی دوش این حقایق اثبات شده و به آگاهی وسیع تبدیل شده فراتر رفت. ضروری است سیاست و تاکتیکی در برخورد به "انتخابات" دراکولاهای اسلامی داشت که با وضعیت امروز سیاسی ایران، با دوره انقلابی، با موقعیت بحرانی و شکننده رژیم اسلامی، با تناسب قوای واقعی در جامعه و صف بندیهای طبقاتی منطبق باشد.

یک مسئله بسیار روشن و مُسجل است که با فرض برگزاری این نمایش توهین به شعور مردم به زعامت خامنه‌ای جلاد، ما با یکی از بی‌رونق‌ترین و ورشکسته‌ترین باصطلاح "انتخابات"ها در تاریخ منحوس رژیم اسلامی روبرو هستیم. رژیم اسلامی و کارگزارانش با هیچ تقلب و رای سازی و آمار جعلی، نمیتوانند چهره کریه حکومت گندیده شان را در انظار جامعه و جهانیان بَرک کنند. قیافه زار و التماس خامنه‌ای و بوقچی‌های هیئت حاکمه اسلامی از مردم برای "شرکت در انتخابات"، تکرار ملال‌آور "بجز صندوق رای راهی نیست"، "زنان بی‌حجاب هم میتوانند رای بدهند"، "بخاطر ایران رای بدهید" و چرندیاتی از این دست؛ بسادگی منعکس کننده رابطه بشدت متخاصم و آنتاگونیزه جامعه با حکومت و موقعیت متزلزل و ناپایدار رژیم اسلامی است.

از صدر تا ذیل رژیم اسلامی میدانند که مردم از اسلام و دین و آئین‌شان بیزارند، میدانند که نام اذان برای مردم با اعدام و قتل جوانان انقلابی تداوم می‌شود، میدانند حجاب اسلامی این بیرق بردگی توسط زنان شورشی به آتش کشیده شده است، میدانند انزجار از آخوند و دستگاه خونریز دین حد و حصر ندارد و آخوند منفورترین چهره و نماد عقب‌ماندگی و دروغ و فساد است. لذا دوز تبلیغات ناسیونالیستی را بویژه در مناسبت مناسک انتخاباتی بالا می‌برند و روی الاکلنگ اسلام-ناسیونالیسم بازی می‌کنند. امری که در صدسال گذشته سیاست ایران بدرجات مختلف جاری بوده است. ناسیونالیسم ایرانی همواره از اسلام برای توجیه "منفعت ملی" (بخوانید منفعت طبقه انگل بورژوازی) بهره

مُضحک دراکولاهای اسلامی اجرا نشود و اگر هم برگزار شد به یک شکست قاطع و یک افتضاح سیاسی تمام عیار برای حکومت اسلامی بدل شود. ما می‌گوئیم باید صریح و روشن و قاطع و انقلابی عمل کرد. به هر کسی که در این نمایش کاندید میشود اعلام کرد در کنار خامنه ای‌ها و علیه جنینش انقلابی برای سرنگونی رژیم اسلامی ایستاده است و باید پاسخگو باشد. در جایی که خود حکومتی‌ها از وحشت جامعه برای حضور در این نمایش مُضحک تردید دارند و بساط رشوه و فساد گرم است، حضور در این نمایش هیچ توجیهی ندارد و قابل قبول نیست.

ما می‌گوئیم به قاتلین و شکنجه‌گران آزادیخواهان و فرزندانمان، به زندانبانان و استعمارگران، به اوباش سیاسی و نظامی حکومت اسلامی نباید "رای" داد. ما می‌گوئیم همه جا پوسترها، بیلبوردها و تبلیغات این فرصت‌طلبان و کاسه‌لیسان را پائین بکشید، آتش بزنید و مشت محکمی بر دهان رژیم اسلامی و خامنه‌ای بکوبید. ما می‌گوئیم در مناطق و شهرها و روستاها با ابتکارات مختلف رسماً به دشمنان قسم‌خورده مردم تحت عنوان "کاندیدهای مجلس" هشدار بدهید که به نفع‌شان است که کنار بروند. ما می‌گوئیم نمایش عوام‌فریبی و تقلب‌شان را بر سرشان خراب کنید. ما می‌گوئیم واضح است که در این مُضحکه مطلقاً نباید شرکت کرد اما در قبال آن نباید پاسیو بود بلکه یک سیاست تعرضی و متناسب با دوره انقلابی بیش از هر زمان ضروری است. ما می‌گوئیم نباید اجازه بدهیم این اوباش سیاسی و نظامی روی سنگفرش خون و پیکر جانباختگان و عزیزان ما راه بروند و رژیم فاشیست‌های اسلامی را مَرمت کنند. ما می‌گوئیم در جدال بشدت قطبی در ایران باید این مناسبت را به تعرضی درخور برای برچیدن نظم چرک و کثافت اسلامی سرمایه داران بدل کرد. ما می‌گوئیم مناسبت "انتخابات" را به اعتراضی همه جانبه تبدیل کنیم و برای سرنگونی انقلابی کل بنیادهای حکومت استبداد و استثمار سنگرهایمان را محکم کنیم. ما می‌گوئیم دور جدید امواج انقلابی کارگری و توده‌ای در کمین‌اند و حکومت فقر و فلاکت اسلامی راه فرار ندارد، دوباره برمی‌خیزیم و کارشان را یکسره می‌کنیم!

۲۴ ژانویه ۲۰۲۴

"انتخابات دراکولاهای اسلامی"

مبانی یک سیاست انقلابی

سیاوش دانشور

"تحریم" یک سیاست انقلابی نیست. کسی که می‌گوید "تحریم میکنم"، فرض نگفته و نوشته‌اش اینست که اساس نظم را قبول دارد و صرفاً نارضایتی‌اش در قبال یک مورد خاص و اینجا "انتخابات غیر رقابتی" را تحریم میکند. دو قطبی "تحریم - شرکت" یک دو قطبی کاذب و سطحی است. جریانهای چپ سنتاً از تحریم سخن گفته اند و عمدتاً هنوز می‌گویند. این سیاست اما تمایز دقیقی با سیاست اصلاح طلبان و آخوندهای مغضوب در بحث برخورد به انتخابات رژیم ندارد. سیاست کمونیستی کارگری و انقلابی همواره بر عدم شرکت و عدم دخالت تأکید داشته و نقطه عزیمت آن نامشروع بودن کل نظام و به طریق اولی مُضحکه انتخابات است.

ما می‌گوئیم زنان و مردان انقلابی و برابری طلب، طبقه کارگر و اردوی آزادیخواه در انتخابات رژیم شرکت نمیکنند اما در آن دخالت میکنند و سیاست دیرین خود مبنی بر نامشروع بودن این نظام و تلاش برای سرنگونی را پی می‌گیرند. با عدم شرکت وسیع و قاطع در سیرک جنایتکاران و رویارویی فعال با مبلغان آن و شکست دادن پروژه رژیم، راه سرنگونی را هموار می‌کنیم. ما می‌گوئیم در تداوم خیزش‌های انقلابی برای درهم کوبیدن نظام فاشیست‌های اسلامی و در شرایطی که هنوز هزاران نفر از هم‌زمان ما در زندانها و شکنجه‌گاههای رژیم اسلامی اسپرند، مناسبت مُضحکه انتخابات و روز آنرا به حرکتی اعتراضی برای شکست سیاست‌های حکومت و مانورهای انتخاباتی‌اش بدل کنیم. ما می‌گوئیم در هیچ دانشگاه، مراکز عمومی، حوزه های تبلیغاتی در شهر و روستا، اجازه ابراز وجود به عوامل حکومت و قاتلین فرزندانمان ندهیم و هر مناسبت انتخاباتی را به صحنه اعتراض ضدحکومتی بدل کنیم. ما می‌گوئیم باید کاری کنیم که اساساً کارنوال

و پدر و مادر مهسا امینی در بیمارستان هنگام مرگ مهسا

پدر محمد قبادلو جلوزندان شب قبل از اعدام

مرگ بر رژیم جنایتکار اسلامی



نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!

آنها فرصت میدهد. علی محمدی و بانک ملی میخوانند گروه ملی را تکه پاره کنند و قدرت و اتحاد کارگر و رهبران عملی کارگران را تدریجاً تضعیف و نابود کنند.

علی محمدی هنوز خشم کارگران قهرمان فولاد را ندیده است. نه فقط باید از طرح واگذاری ممانعت کرد و از خواستههای برحق ذره ای کوتاه نیامد بلکه امروز دیگر خلع پد از بانک ملی و عزل علی محمدی به دستور روز رانده شده است. این موضوع اگر تا دو هفته قبل برای بخشهایی از کارگران هنوز میهم بود، امروز یک واقعیت مسجل است. درود بر رزم و اتحاد کارگران فولاد!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۴ بهمن ۱۴۰۲ - ۲۴ ژانویه ۲۰۲۴

ما کارگران فولاد علیه ظلم و بیداد میجنگیم میجنگیم
مرگ بر ستمگر درود بر کارگر
کارگران بیدارند از استثمار بیزارند
گروه ملی فولاد اهواز

مرگ بر ستمگر درود بر کارگر
کارگران بیدارند از استثمار بیزارند
گروه ملی فولاد اهواز



منصور حکمت را بخوانید و
به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>
www.hekmat.com

اعتصاب مجدد کارگران گروه ملی فولاد اهواز

کارگران فولاد در هفته اخیر با دور جدیدی از کشمکش با مدیریت و دعوت به جلسه برای چانه زنی برسر مبلغ توافق شده در بحث همسان سازی حقوق ها با دیگر شرکتهای فولادی و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل روبرو بودند. گروکشی علی محمدی کارفرمای فولاد برسر شکایت از کارگران معترض و خواست پس گرفتن شکایت توسط کارگران، که وی آنرا منوط به کاهش ۴ الی ۵ میلیون تومانی از توافق استناداری کرده بود، خود را در کلاف سردرگمی از وعده ها و دعوت نمایندگان کارگران به جلسات نشان داد.

همینطور که پیش بینی میشد و بیشتر کارگران نیز بدست بر این عقیده بودند که علی محمدی برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و همسان سازی حقوق ها وقت کشی میکند و میخواهد با بحث "حق الحساب" آنرا به سال آتی موکول کند، همین اتفاق افتاد. مضافاً طرح جدائی فولاد اکسین و واگذاری آن به فولاد خوزستان نیز جبهه دیگری بود که توسط کارفرمای فولاد باز شد. این موضوع دو جنبه دارد: اول، همسان سازی حقوقهای گروه ملی قرار است براساس حقوق های فولاد اکسین صورت گیرد. دوم، بحث و واگذاری فولاد اکسین هم مسئله همسان سازی حقوق ها را منتفی میکند و هم کارگران گروه ملی را در موضع دفاعی قرار میدهد.

نهایتاً بعد از بازی های مزورانه گروه بانک ملی و علی محمدی و وعده دادن و دبه درآوردن در مورد توافقات محدود جلسه استناداری، کارگران عصبانی فولاد گفتند این جلسات هدفش تهدید و تطمیع نمایندگان است و روش کار ما براساس هم اندیشی در مجامع عمومی است. کارگران فولاد برای رفع هر شبهه و جلوگیری از شکاف در میان همکاران دو روز به علی محمدی وعده دادند که طبق توافق استناداری طرح طبقه بندی مشاغل را اجرا کند، دو روز گذشت و اجرا نشد. علی محمدی مجدداً زمان بیشتری خواست و دعوت به جلسه کرد. کارگران اعلام کردند که دیگر بحثی نیست و زیر بار این بازی وقت کشی کارفرما نمیروند و نهایتاً تا ساعت دو بعدظهر روز سه شنبه ۳ بهمن وقت دادند. بدنبال عدم توجه کارفرما از دیروز بخشهای مختلف گروه ملی دست از کار کشیدند و در محوطه شرکت اجتماع کردند. علی محمدی و گروه بانک ملی زیر مفاد توافق آخرین جلسه استناداری زدند و کارگران هم در اعتراض به این اقدام وارد اعتصاب شدند.

خواستههای روشن کارگران گروه ملی عبارتند از: اجرای بدون حقه بازی و عادلانه طبقه بندی مشاغل، همسان سازی حقوقها مطابق حقوقهای فولاد اکسین، بازگشت به کار آقای کریم سیاحی، خروج آیتم های فریز شده در فیش حقوقی از حالت فریز، تبدیل وضعیت کارگران شفقی، رفع شکایت محمدی از کارگران.

همینطور کارگران فولاد هشدار دادند که فولاد اکسین جزو انتگره گروه ملی است و بانک ملی باید خواب و واگذاری آنرا ببیند. کارگران گروه ملی واگذاری فولاد اکسین را خط قرمز و آغاز یک نبرد سخت اعلام کردند. با این اوصاف و تجربه اخیر و تاکتیکهای مزورانه کارفرمای فولاد، خواست خلع پد از بانک ملی و علی محمدی باید به صدر رانده شود.

تجربه کنونی نیز مجدداً تاکید کرد که تنها پشتوانه برای تحقق خواستههای کارگران اتحاد گسترده و قدرت مجمع عمومی کارگران است و حتی تعیین نمایندگان موقت و مذاکرات و آمد و رفت در جلسات بدون اعتصاب و این پشتوانه مادی، تنها به کارفرما و بازی های کثیف



حملات ارتش آمریکا در عراق به کتائب حزب الله یا حشد الشعبی، حملات ارتش اسرائیل در جنوب لبنان به مواضع حزب الله، پیغام ها به جمهوری اسلامی که خود را وارد جنگ نکند، همینطور حمله موشکی و پهپادی به بیش از ۶۰ مرکز حوثی ها در یمن و مشخصاً صنعا، هنوز همین هدف و چهارچوب را دنبال می کنند. اینکه آیا میتوانند خود را در این بالانس نگاهدارند یا نه، فکر میکنم برای خود دولتها و نیروهای درگیر هم پاسخ قطعی ندارد. نه دولت اسرائیل علیرغم

شعارهای فاشیستی توان ورود به جنگ در چند جبهه را بطور همزمان دارد و نه دولت آمریکا میخواد در این مقیاس وارد جنگ با اسلام سیاسی شود و نه شرایط پیش-انتخاباتی برای این اقدام را مطلوب تلقی میکنند. باید توجه کرد که حمله بایدن به حوثی ها مورد توجه و تائید عمده نیروهای جمهوریخواه و هیئت حاکمه آمریکا و دولتهای موئتلف قرار گرفت. به نظر ما آمریکا و دولتهای غربی هنوز به اسلام سیاسی و نیروهای متفرقه آن در جنگ و رقابت شان نیاز دارند. هدف آنها نه رودروئی با اسلام سیاسی و درم کوبیدن آن بلکه تحمیل تعادل جدیدی به اسلام سیاسی است. در حدی که چوب لای چرخ آمریکا و موئتلفینش نگذارند اما میتوانند هر جنایتی در حوزه نفوذشان صورت دهند. اما این سیاست بشدت بی در و پیکر و غیر قابل کنترل است. نه آمریکا و نه هیچ دولتی در منطقه کنترلی بر جنبش اسلامی حتی دست سازترین آنها ندارد و جریانات اسلامی نیز در بحران اخیر مشروطه خودشان را دنبال می کنند.

در یمن جنگی شش الی هشت ساله در جریان بوده که ائتلافی بزرگ به رهبری عربستان با حمایت آمریکا، یمن را به یک ویرانه تبدیل و کشور را دچار قحطی کرد. این جنگ ارتجاعی بیش از ۲۰۰ هزار کشته و دهها هزار معلول و زخمی برجای گذاشت و میلیونها تن را آواره کرد اما نتوانست حوثی ها را از میدان بدر کند و قدرت دولت سابق یمن و متحد عربستان عید ربه منصور هادی را اعاده کند. متعاقب آن دولت آمریکا حوثی ها را از "لیست تروریستی" اش بیرون کشید و به حاکمیت دوفاکتوی حوثی ها در صنعا رضایت داد. اما حملات پی در پی حوثی ها در طی جنگ اسرائیل علیه مردم بی دفاع فلسطین، بیش از ۲۷ حمله به کشتی های تجاری در تنگه باب المندب و دریای سرخ، نظر به تاثیرات بلافصل اقتصادی در تجارت جهانی که حدود ۱۲٪ آن و سهم مهمی از نفت و گاز (۴ میلیون تن نفت) از این تنگه میگذرد، آمریکا و کشورهای مختلف را وادار به تشکیل ائتلافی برای "حفاظت از تجارت جهانی" کرد. اما این ائتلاف نیز مانع حملات حوثی ها نشد. ناامن شدن این ابراه مهم جهانی و لاجرم تغییر مسیر و دور زدن کشتی ها و افزایش زمان و هزینه های تمام شده ترانسپورت، تعدادی از مهمترین صنایع را دچار توقف تولید و یا تعطیلی موقت کرد. افزایش قیمت نفت، افزایش هزینه های باربری، تحمیل ده میلیارد دلار هزینه اضافی روزانه به تجارت جهانی تنها برای کشورهای غربی، زمان لازم برای تغییر مسیر کشتی ها برای کمپانیهای بزرگ و دولتها قابل تحمل نبود. این برای آمریکا فرصت مناسبی است که بعنوان "پلیس جهان" برای جلوگیری از "اخلال در تجارت جهانی" و "تامین امنیت دریائی" وارد عمل شود و همراه با انگلیس و حمایت دولتهای مختلف به مراکز حوثی ها حمله کند. عملیاتی خطاری با هدف محدود کنترل حوثی ها و جلوگیری از مزاحمت آنها برای کشتی های تجاری. آمریکا تا امروز چهارشنبه ۲۷ دی، دو مورد به سیستم پدافندی و راداری و یک سکوی موشکی حوثی ها حمله کرده است. اما نه این حملات برای حوثی ها جدید است و نه میتواند مانعی برای عدم تکرار حملات مشابه باشد. اینرا همه شان بخوبی میدانند. آمریکا قبل از حمله به حوثی ها به رژیم ایران اخطار میدهد و پیام خصوصی میفرستد و تلاش میکند جمهوری اسلامی و نیروهای موئتلفش را از ورود به جنگ دور کند.

در ترکیه اردوغان درست مانند نتانیاهو مشغول حملات مکرر و بمباران در کردستان سوریه و عراق علیه نیروهای مخالف خویش از جمله پ ی د و پ ک ک است. در افغانستان طالبان وحشی که با سلام و صلوات بایدن مجددا سرکار آورده شد، فرصت را مغتنم شمرده و بیش از

کمونیست می پرسد؛

اهداف گسترش جنگ و حملات نظامی در

منطقه چیست؟

فلسطین، یمن، عراق، سوریه، پاکستان

کمونیست: حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در اولین اظهارنظرهای رسمی در باره جنگ دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین به امکان گسترش جنگ در منطقه اشاره کرده بود. چنانکه پیش بینی میشود، جنگ اسرائیل و موئتلفینش علیه مردم فلسطین به غزه محدود نمانده و در هفته اخیر شتابی تند پیدا کرده است. حمله ارتشهای آمریکا و انگلیس به مراکز حوثی های یمن و گسترش تنش در دریای سرخ، حمله دوشنبه شب ۱۵ دی جمهوری اسلامی با پهپاد و موشک بالستیک به مناطقی در اقلیم کردستان عراق، حملات موشکی جمهوری اسلامی به مناطقی در استان اذلب در سوریه و مناطق مرزی پاکستان در روز سه شنبه ۱۶ دی، از آخرین تحرکات نظامی هستند. تحلیل حزب از رویدادهای جدید چیست؟ آیا جنگ در ابعاد وسیع تر آغاز شده است و یا ظرفیت گسترش آن وجود دارد؟ زمینه های جهانی و منطقه ای این کشمکش ها کدامند و چه سیاستی در قبال این تحرکات نظامی باید داشت؟

سیاوش دانشور: آنچه می بینیم دردهای زایمان "خاورمیانه جدید" و بازسازی خاورمیانه از موضع دولتهای سرمایه داری و کمپ های تروریستی در منطقه است. ما تاکید داشتیم که نسل کشی دولت نژادپرست اسرائیل علیه مردم فلسطین، به نظامیگری و تحرک نظامی بیشتر دولتها امکان میدهد، جنگ و تروریسم را بیش از پیش به زندگی روزمره مردم منطقه تحمیل میکند، دستجات متفرقه اسلام سیاسی را به تحرک وامیدارد و تناقضات و رقابتهای قدیمی در شکل جدیدی سر باز میکند. براین واقعیت تاکید کردیم که جنگ را هر کسی ممکن است آغاز کند اما پایان آن دست وی نیست، بلکه هر فاکتور جدید در این معادله میتواند صورت مسئله جدیدی خلق کند و کل اوضاع را پیچیده تر و شرایط تماماً جدیدی بوجود بیاورد. رویدادهای هفته ها و روزهای اخیر براین واقعیت دلالت میکنند.

واضح است در بگگراند این کشمکشها رقابت های جهانی برسر حوزه نفوذ، بین قدرتها و دولتهای سرمایه داری در خاورمیانه وجود دارد. در این چهارچوب، رقابت و تلاش برای کسب هژمونی و موقعیت برتر میان دولتهای بزرگ منطقه از جمله ترکیه و ایران تشدید میشود. اما آنچه در روزها و هفته اخیر رخ داده است، اگرچه همه بنوعی خود را به مسئله فلسطین و جنگ اسرائیل مرتبط میکنند، اما نه جایگاه یکسانی دارند و نه ضرورتاً به موضوع فلسطین ارتباط مستقیمی دارند. آمریکا و ائتلاف دولتهای غربی قویاً در کنار دولت اسرائیل حتی مخالف یک آتش بس و رساندن آب و غذا و دارو به مردم آواره و قتل عام شده غزه هستند. در عین حال ناوگانهای آمریکا نقش پاسبان برای عدم گسترش جنگ را ایفا می کنند تا دولت اسرائیل بتواند به جنایت جنگی در فلسطین ادامه دهد. در کنار قتل عام بیسابقه و هولاکاست غزه، جنبش اسلامی و نیروهای متحد جمهوری اسلامی در عراق، سوریه، لبنان و یمن تلاش کردند در حد محدود با شلیک موشک و پهپادهای انتحاری دست به اقدامات ایذائی بزنند. پاسخ این عملیات های جنبش اسلامی که تحت نام "حمایت از مردم فلسطین" صورت گرفته است، از جانب دولتهای اسرائیل و آمریکا سیاست مبتنی بر "پاسخ متناسب و بازدارنده" بوده است. یعنی حملات بدون پاسخ نیمبند و در عین حال قصد گسترش جبهه های جنگ را بصورت همزمان ندارند. حمله متقابل و محدود هدفش نه گسترش جنگ بلکه جلوگیری از دخالت در جنگ جاری است.

مناطق تحت کنٹرول "ہیئت تحریر الشام یا جبهه النصره" و "حزب اسلامی ترکستانی" در استان ادلب اصابت کرده است.

لذا ما با گسترش تحرک نظامی دولتها و نیروهای غیر دولتی جنبش اسلامی در منطقه دنیبال جنگ اسرائیل علیه مردم فلسطین روبرو هستیم که هر سوئی توجیہات خود را دارد و بعضاً به مسئله فلسطین وصل میکند اما هر کدام منافع خود را دنبال میکنند، برای مواقیت برتر خود در داخل کشور و در تقابل با رقیبای منطقه ای تلاش می کنند، اما این تلاشها مطلقاً سر سوزنی ربطی به مردم فلسطین و رهائی آنها از یوغ آپارتاید اسرائیل و نسل کشی جاری ندارد.

دولتهای رقیب نیز در این جنگ منافع مختلفی دارند. عربستان سعودی خواهان جنگ در بغل گوش نیست و تجربه جنگ شش ساله و به نتیجه نرسیده در یمن را در کارنامه دارد. تشدید بحران در خاورمیانه بنفع سیاست دولت چین و طرحهای بزرگ اقتصادیش نیست و مایل نیست ائتلاف دولتهای غربی در خاورمیانه و راه های دریائی که آسیا را به آفریقا و اروپا وصل میکند اخلال جدی ایجاد کنند. روسیه شاید در متن جنگ اوکراین راضی باشد که اوضاع جنگی موقتاً گسترش یابد تا نگاه ها از اوکراین و روسیه دور شود اما از شلنگ تخته انداختن آمریکا و مونتفینش خوشحال نیست. دولتهای اروپائی موضع یکسانی ندارند و جملگی دیوارهایشان را برای ورود مهاجران و فراریان از جنگ خاورمیانه بالاتر میبرند. تأثیرات جنگ در اوکراین روی اروپا و بویژه مردم عادی هنوز سنگین و نفسگیر است و رویدادهای ماههای اخیر در خاورمیانه و تأثیرات آن بر اقتصاد جهانی نیز اوضاع را پیچیده تر کرده است. مضافاً اینکه سیاست یکجانبه دمراسی غربی و دفاع از نسل کشی دولت اسرائیل از یکسو و اعمال راسیسم علیه مهاجران توسط دول غربی از سوی دیگر، جدال را وارد کشورهای اروپائی کرده است. همه اینها و مسائل قدیم و حل نشده، اروپا را محتاط تر میکند.

ما با وضعیت صلح روبرو نیستیم تا از گسترش جنگ سخن بگوئیم، جنگ و یا جنگهای موسمی یک داده جهان امروز است. مخاطرات این اوضاع تنها ظرفیت گسترش جنگ و تکرار کشتارهای مهیب نیست بلکه شرایط سیاسی در کشورهای مختلف را هرچه بیشتر به راست سوق میدهد و به قدرتگیری نیروهای دست راستی و فاشیست نیرو میدهد. زمینه های این کشمکش جنگ قطبهای سرمایه داری برای شکل دادن به سیمای جهان بعد از افول آمریکا بعنوان رهبر و تنها ابرقدرت جهان و شکلگیری ساختارها و آرایش جدید قدرتها و قطبهای جهانی سرمایه داری است. خاورمیانه از این اوضاع منفک نیست و خود با بحرانهای قدیمی تر مانند مسئله تانکون لاینحل فلسطین و جنبش اسلام سیاسی بعنوان یک نیروی مدعی قدرت و بشدت دست راستی و ضد جامعه روبرو است. در عین حال خاورمیانه و جهان نیز دستخوش اعتراض و تغییر متناسب با زمانه خویش است. این دولتها و نیروهای ارتجاعی نهایتاً اوضاع سابق را با تغییراتی در جایگاه خود اعاده میکنند. در مقابل طبقه کارگر این کشورها و نسل جدید برای زندگی و آینده تلاش میکنند و بخشهای پیشرو جامعه منافع آئی و آئی خود را در فرجام کشمکش بالائی ها نمی بینند.

ما بعنوان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، منافع کارگران و مردم زحمتکش و نسل جدید پیشرو را در تناقض مهلک با اهداف ارتجاعی این جنگها و نیروهای ارتجاعی تر آنها میدانیم. خاورمیانه کنونی ماندگار نیست و "خاورمیانه جدید" مورد نظر بورژوازی یک عقبگرد کامل به عهد عتیق است. راه حل تأمین امنیت و همزیستی مردم منطقه و جهان رهائی از سلطه میلیتاریسم و قدری و فعال مایشائی نیروهای ارتجاعی نظم کنونی است. از نظر ما دولتهای میلیتاریست و جنگ طلب و تروریست و آدمکش را باید بزیر کشید. دولتهای اسلامی سرمایه دشمن طبقه کارگر و مردمی هستند که روزمره تحت سرکوب و بیکاری و گرسنگی اند. از "خاورمیانه جدید" مد نظر این دولتها و دولت اسرائیل بعنوان پاسگاه حافظ منافع آنها، بطور روشنی با هولاکاست در غزه رونمایی شده است. مردم خاورمیانه و جهان این توحش و

صفحه ۸

کمونیسٹ می پرسد:

اهداف گسترش جنگ و حملات نظامی در

منطقه چیست؟

فلسطین، یمن، عراق، سوریه، پاکستان

پیش بجان زنان افتاده و مشغول مسابقه زن کشی با خامنه ای است. در فضای جنگ و نسل کشی در غزه هر دولتی تلاش میکند سیاست قدیمی تر خود را با هزینه کمتری دنبال کند. جمهوری اسلامی که هر روز در سوریه مورد حمله ارتش اسرائیل قرار میگیرد و بجز رجزخوانی و شعار دادن نه میتواند و نه قصد دارد وارد تقابلی سرراست با ارتش اسرائیل شود، از نیروهای نیابتی اش استفاده میکند و هر عمل آنها را بحساب "انتقام از اسرائیل" میگذارد. حوثی ها یا انصارالله یک نیروی مزدور جمهوری اسلامی و یک زیر مجموعه و پروکسی حزب الله لبنان در یمن محسوب میشوند و امکانات فنی و تسلیحاتی شان را نیز از حزب الله لبنان و جمهوری اسلامی میگیرند. حوثی ها دو روز بعد از حملات موشکی ارتش آمریکا و انگلیس، دو موشک به کشتی های تجاری شلیک کردند. آنها مدعی اند که ممانعتی برای تجارت جهانی در دریای سرخ ایجاد نکردند و صرفاً به کشتی های به مقصد اسرائیل حمله میکنند. اما نه هیچ شرکت کشتیرانی میتواند روی این ادعا حساب باز کند و نه هدف از ناامن کردن تنگه باب المندب و دریای سرخ دودش فقط به چشم دولت اسرائیل میورد. عربستان سعودی و کل کشورهای منطقه و دولتهای جهان نمیخواهند امنیت دریائی و حمل و نقل و تجارت زیر سوال برود. دولت آمریکا و مونتلفین نیز بعنوان پاسبان تجارت جهانی نظم سرمایه نیز فرصت را غنیمت شمرده و واکنش نشان دادند. این مقدمه ای برای استقرار یک نیروی فراملیتی در دریای سرخ با توجه به موقعیت ضعیف و ناپایدار جیبوتی و یمن و از آنطرف اوضاع سودان و راهزنی دریائی است. ناامنی کنونی از راههای آبی و هوائی تا تروریسم لجام گسیخته دولتی و اسلامی در گوشه گوشه جهان، کارنامه سیاست دولتها در دفاع از نیروهای ارتجاعی اسلامی است که بدون حمایت همین دولتها قادر به حفظ موقعیت کنونی خود نیستند.

جمهوری اسلامی که روی تحرک نیروهای نیابتی اش مانور میدهد، علیرغم رجزخوانی ها در تهران راساً قصد ندارد وارد جنگی تمام عیار شود. جمهوری اسلامی وعده های پوچ "انتقام سخت" را به قتل مردم بی دفاع در ایران و فرافکنی در مقابل اسرائیل ترجمه میکند تا هم ناتوانی خود را بپوشاند و هم فاصله خود را با جنگ مستقیم حفظ کرده باشد. حمله موشکی و پهپادی به اقلیم کردستان عراق در دوشنبه شب نیز از این جنس است. از سوئی میگویند به "یک مرکز موساد اسرائیل در کردستان عراق" حمله کردند و از سوی دیگر میگویند مراکز "ضد انقلاب" را در هم کوبیده اند. حمله موشکی سه شنبه به مناطقی در استان ادلب سوریه و مناطق مرزی پاکستان با بهانه "انتقام از داعش و جیش العدل" به بهانه و در پاسخ به بمبگذاری های کرمان صورت گرفته است. از پیش روشن بود و ما تأکید کردیم که جمهوری اسلامی که خود اولین کاندید قتل عام مردم غیر نظامی در مراسم کشته شدن قاسم سلیمانی است، تعدادی بیخبر را بعنوان "عوامل داخلی" بازداشت و زیر شکنجه میبرد و به مناطق مرزی موشک پرانی خواهد کرد. امری که در فاصله چند روز پشت سرهم رخ داد. رسانه های جمهوری اسلامی و اطلاعاتی های سپاه پاسداران مدعی اند که به "دو مقر مهم" جیش العدل در خاک پاکستان حمله و آنها را تماماً منهدم کرده اند و یا از شناسائی مقرهای فرماندهی داعش در سوریه و نابودی آنها با موشک های بالستیک خبر میدهند. این موشک ها در

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

همبستگی انترناسیونالیستی و مبارزه برای سرنگونی دولتهای استبدادی و فاشیستی و اسلامی فرامیخوانیم. حل مسئله فلسطین و پایان دادن به مشقات بی پایان مردم محروم راهی جز تغییرات بزرگ در صحنه سیاست ندارد. تحولات انقلابی در ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی تأثیرات عمیقی در اوضاع منطقه و جهان ببار می آورد. موشک پرانی جمهوری اسلامی در منطقه قرار است شکنندگی اش را بیوشاند و معادله و صورت مسئله سیاست در ایران را تغییر دهد. سرنگونی جمهوری اسلامی ورق سیاست را در منطقه برمیگرداند و اسلام سیاسی و نیروهای موثلف و نیابتی رژیم اسلامی را دچار حسیض می کند. طبقه کارگر و مردمی که در تلاش برای خلاصی از جمهوری اسلامی اند، تنها پلاتفرم امنیت و همزیستی مسالمت آمیز و پایدار در منطقه و نیروی تعیین کننده یک صف قدرتمند انترناسیونالیستی در برابر نیروهای متفرقه و مرتجع بورژوازی و جنگ طلب هستند. پیروزی و شکست در هر سوی جنگهای ارتجاعی جاری حاصلی جز گسترش سرکوب و فقر و ویرانی برای کارگران و مردم منطقه ندارد، اما یک پیروزی انقلابی در ایران و برآمد مجدد انقلابی در کشورهای مهم منطقه میتواند سنگ بنای خاورمیانه ای برآستی جدید و انقلابی باشد.

۱۷ ژانویه ۲۰۲۴

کمونیسست می پرسد؛

اهداف گسترش جنگ و حملات نظامی در

منطقه چیست؟

فلسطین، یمن، عراق، سوریه، پاکستان

تروریسم عنان گسیخته و نسل کشی را نمیخواهند و بر حل مسئله فلسطین اصرار دارند. این روندهای ارتجاعی جاری به ضرر تحرکات انقلابی در ایران و منطقه است و تنها یک حرکت گسترده خلاف جریان از جمله برآمد مجدد توده ای و کارگری و دورخیز برای تغییرات انقلابی در این کشورها میتواند افسار این نیروهای ارتجاعی دولتی و غیر دولتی را بکشد. آمریکا و روسیه و چین و دیکتاتوری های اسلامی و کشورهای مستبد منطقه تنها اوضاع کنونی را پیچیده تر میکنند و هر آینه جنگ و کشمکش و رقابت آنها شرایط وخیم تری را به مردم در منطقه و جهان تحمیل میکنند.

ما طبقه کارگر و مردم آزادیخواه کشورهای منطقه را به تقویت



حکم تازه اعلام و تحلیل و ارزیابی چندانی از آن ارائه نشده است. تاکنون واکنش های مختلفی ابراز شده است، برخی شاد و برخی دلسرد و خشمگین. اما همانگونه که پیش از این اعلام کردیم، نفس شکایت، جنبشی که حول آن شکل گرفت و اعلام جرم آفریقایی جنوبی در روز اول دادگاه که میلیون ها نفر در سراسر جهان مشاهده کردند، دارای اهمیت سیاسی - اجتماعی بسیار است.

حکم دادگاه به ابزاری برای توهم زدایی باز هم بیشتر از "نظم جهانی" بدل خواهد شد.

یادداشت

فیل موش زائید!

حکم دادگاه لاهه

آذرماجدی

امروز جمعه 26 ژانویه دیوانعالی بین المللی دادگستری لاهه در مورد پرونده نسل کشی اسرائیل در غزه که توسط آفریقایی جنوبی به دادگاه ارائه شده، رای داد. یک رای سیاسی - دیپلماتیک. احکامی که داده شده روی به آینده دارد. در تمام بند بنوعی از اسرائیل می خواهد که از عملیات هایی که منجر به نسل کشی می شود، پرهیز کند و در آخر مدارک تبعیت از حکم را به دادگاه تقدیم نماید.

از ابتدا گفته بودیم که این نه یک دادگاه حقوقی، بلکه سیاسی است. آمریکا، بریتانیا و فرانسه حامی کامل اسرائیل و مخالف بی چون و چرای این پرونده اند. روشن بود که این دادگاه اسرائیل را صریحا محکوم نخواهد کرد و خواهان آتش بس و پایان جنگ نخواهد شد. بخاطر داشته باشیم این دنیای "متکی به قوانین" است؛ قوانین نانوشته ای که با زور و قلدری بر دنیا دیکته می شود.



شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!

اتحادیه سراسری کارگران آلمان DGB و سازمان دانشجویی Asta که در ۲۵ ژانویه ۲۰۲۴ برگزار شد، حمایت خود را انجام داده و همراه با تشکیل بلوک چپ و کمونیستی این شهر که شامل احزابی همچون؛ حزب کمونیست آلمان، حزب مارکسیست-لنینیست آلمان، حزب چپ آلمان، سازمان جوانان سوسیالیست آلمان، زیگن علیه راست و مرکز اینترنشنال میشوند علیه سیاستهای نژادپرستانه و فاشیستی حزب "آ اف د" دست به اعتراض زدند. در این حرکت اعتراضی، امیر عسگری دبیر کمیته آلمان و فاطمه عسگری از کادرهای حزب حکمتیست حضور داشتند و ضمن محکوم کردن سیاستهای فاشیستی "آ اف د" با توجه به دوام موج اعدام ها در ایران خواست لغو احکام شنیع اعدام و لزوم همبستگی برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران را در بین شرکت کنندگان مطرح کردند.

26 ژانویه 2024



زندانیان سیاسی معروف به « بچه های اکباتان » در خطر احکام اعدام



میلاد آرمون . مهدی حسینی . مهدی ایمانی . نوید تاجران . امیرمحمد . علیرضا . حسین نعمتی . خوش اقبال . برمرز پورناک . علیرضا کفایی

گزارشی از تظاهرات ضد فاشیسم در آلمان!

امیر عسگری

حزب راست افراطی "آ اف د" همواره با سیاستهای پوپولیستی و ملی گرایانه و ضد مهاجرتی بدون ارابه کوچکترین راه حل درست سیاسی و اقتصادی در جامعه آلمان سعی کرده است تا توجه بخش ناسیونالیست و نئونازی آلمان را به خود جلب کرده و قصد دارد تا در انتخابات پیش روی پارلمان اروپا همراه با سایر سیاستمداران فاشیست قدرت گرفته در فرانسه، ایتالیا، پرتغال، اتریش و هلند یک اتحاد فاشیستی را بر تصمیم گیری های اتحادیه اروپا سوار کنند. درست در این برهه است که دیدار حزب "آ اف د" آلمان با تعدادی از نمایندگان جریانات نئونازی در هتلی در پوتسدام آلمان توسط تعدادی از خبرنگاران افشا میشود و از طرح بررسی چگونگی اخراج تمامی مهاجران، پناهجویان و حتی شهروندان آلمانی که پیشینه مهاجرت داشتند فاش می شود که موجب برافروخته شدن آتش خشم عمومی جامعه آلمان علیه این حزب میشود.

پس از افشا طرح جدید حزب "آ اف د" اعتراضات گسترده ای تاکنون در بیش از ۱۰۰ شهر کوچک و بزرگ آلمان با حضور صدها هزار نفر شکل گرفته و اتحادیه های کارگری، احزاب و سازمانهای سیاسی عمدتاً چپ و نهادهای دفاع از حقوق پناهجویان در این تجمعات نقش سازماندهی را به عهده گرفته اند.

کمیته آلمان حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست و سازمان سراسری پناهندگان ایرانی-بیمرز نیز در شهر زیگن آلمان از فراخوان



نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!



گزارشات مبارزات کارگری و جنبشهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سیده امیر عسگری و آرش کلهر

تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث شرکت ملی حفاری

سه‌شنبه ۳ بهمن کارگران ارکان ثالث شرکت ملی حفاری ایران در دکل ۸۰، ۸۱، ۳۷، ۳۸، ۴۵ و ۲۱ تجمع اعتراضی برپا نمودند

تجمع اعتراضی کارگران شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری

چهارشنبه ۴ بهمن ماه کارگران شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری جهت دریافت مطالباتشان تجمع اعتراضی برپا نمودند.

اهم مطالبات آنها برکناری مسئولین نالایق، حذف سقف حقوق، اصلاح سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک‌پی آن می‌باشد

تجمع اعتراضی کارگران کک سازی طبس در اعتراض به کاهش مزایای مزدی و رفاهی چهارشنبه ۴ بهمن

مدیریت کارخانه کک سازی سال جاری برخی مزایای مربوط به حق افزایش تولید، حق پاداش و بهره برداری و کمک‌های غیر نقدی و رفاهی و مناسبتی که در سال‌های گذشته به آن‌ها پرداخت می‌شد را کاهش و حتی در برخی موارد بطور کامل قطع کرده است.

کارگران می‌گویند: کارفرما دلیل قطع شدن مزایای مزدی را کمبود منابع مالی عنوان می‌کند و این در حالیست که سال جاری تقریباً دو برابر سال گذشته تولید کک داشته‌ایم.

تجمع اعتراضی کارگران قراردادی نفت مقابل درب وزارت نفت در تهران

روز چهارشنبه ۴ بهمن ۱۴۰۲ کارگران قراردادی شاغل در بخش‌های مختلف وزارت نفت مطابق اعلام قبلی و در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان مقابل ساختمان وزارت نفت تجمع برگزار کردند.

اجرای کامل مصوبه قانونی شورای اداری و استخدامی صنعت نفت در دی ماه ۱۴۰۰ (فوق العاده تخصصی و مخصوص)، اصلاح فرمول محاسبه پاداش بهره‌وری مشابه کارکنان مدت معین، اصلاح فرمول اضافه کاری بر اساس تبصره یک ماده ۳۶ قانون کار از جمله مطالبات این کارکنان است.

تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش

روزیکنشبه اول بهمن ۱۴۰۲ بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً و مطابق تجمعات هر هفته یکشنبه‌های اعتراضی مقابل فرمانداری این شهرستان دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان صنایع فولاد

روزیکنشبه اول بهمن ۱۴۰۲ بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان و مازندران در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان از جمله همسان‌سازی حقوق‌ها و بیمه تکمیلی درمان و مطابق تجمعات مستمر یکشنبه‌های اعتراضی مجدداً مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد اصفهان واقع در خیابان نشاط این شهر دست به تجمع زدند

تجمع و راهپیمایی اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز

روز یکشنبه اول بهمن ماه ۱۴۰۲، جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز نیز مجدداً و در اعتراض به وضعیت

آغاز دور دیگری از اعتصاب در گروه ملی صنعتی فولاد اهواز

به دنبال عدم تحقق وعده‌های مدیریت شرکت در اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، روز سه‌شنبه سوم بهمن ماه، با شروع اعتصاب کلیه خطوط تولیدی در گروه ملی فولاد متوقف شد.

به گفته‌ی این کارگران، این اعتصاب تا روز شنبه ادامه خواهد داشت و هیچ‌گونه فعالیتی اعم از تولید، تخلیه مواد اولیه و نیز بارگیری محصول صورت نخواهد گرفت.

در صورت عدم اقدام موثر مدیریت در اجرای طرح، روز شنبه در مورد چگونگی و شکل ادامه اعتصاب تصمیم‌گیری جمعی خواهد شد.

روز شنبه گذشته مدیریت شرکت تقاضای دو روز مهلت کرده بود که با پایان این مهلت در روز دوشنبه، مجدداً مدیریت شرکت یک روز دیگر نیز فرصت خواست که در نتیجه و با توجه به عدم جدیت کارفرما و مدیرعامل در اجرایی شدن طرح مذکور و وقت‌کشی‌های مستمر، تصمیم به اعتصاب گرفته شد.

تجمع اعتراضی کارگران قراردادی صنعت اهواز

شنبه ۳۰ دی ماه کارگران قراردادی صنعت نفت در اهواز تجمع اعتراضی برپا کردند.

اهم مطالبات آنها:

اجرای کامل مصوبه قانونی شورای اداری و استخدامی صنعت نفت در دی ماه ۱۴۰۰ (فوق العاده تخصصی و مخصوص)

اصلاح فرمول محاسبه پاداش بهره‌وری مشابه کارکنان مدت معین

اصلاح فرمول اضافه کاری بر اساس تبصره یک ماده ۳۶ قانون کار

تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث شاغل در پالایشگاه‌های منطقه پارس جنوبی

روز شنبه ۳۰ دی ۱۴۰۲، کارگران پالایشگاه‌های اول، سوم، پنجم، هشتم، هفتم، نهم، دهم و دوازدهم پارس جنوبی از ساعت هفت صبح با شرکت در تجمعات اعتراضی از انجام کار خودداری نمودند.

این کارگران مطابق فراخوان از پیش اعلام شده و در اعتراض به عدم پاسخگویی به خواسته‌هایشان دست به اعتراض زدند.

خواسته‌های این کارگران اجرای شیفت کاری ۲ به ۲، اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل، بهره‌مندی از نفت-گاز کارت، بن کارت و... می‌باشد

تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث شرکت نفت و گاز گچساران

روزیکنشبه اول بهمن ۱۴۰۲ کارگران ارکان ثالث شاغل در شرکت مفت و کار گچساران در اعتراض به بی‌توجهی و عدم پاسخگویی مسئولین به خواسته و مطالباتشان اعتصاب کرده و مقابل دفتر مرکزی این شرکت دست به تجمع زدند.

این کارگران خواهان اجرای صحیح و بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل، تخصیص بن کارت و مزایای شغلی و بهبود شرایط و دستمزدشان هستند

روز شنبه ۳۰ دیماه به فراخوان احزاب چپ، کمونیست و آزادیخواهان آکسیونهای اعتراضی گسترش اعدامها و فضای اختناق و سرکوب در ایران در دهها شهر کشورهای اروپا، آمریکا و استرالیا برگزار گردید. در اینجا توجه شما بینندگان را به سخنرانی کوتاه سیاوش دانشور رئیس دفتر سیاسی حزب حکمتیست جلب میکنیم.

در پی اعدامهای اخیر در ایران، دهها زن زندانی سیاسی در زندان اوین دست به اعتصاب غذا زدند

پنجشنبه ۵ بهمن ماه پس از آن که دستگاه قضایی جمهوری اسلامی سرگاه سهشنبه سوم بهمن محمد قبادلو، معترض بازداشتی و فرهاد سلیمی، زندانی سیاسی عقیدتی را اعدام کرد، ۶۱ نفر از زنان زندانی سیاسی زندان اوین اعلام کردند در اعتراض به اعدام جوانان و برای توقف اعدام، دست به اعتصاب غذا زدند.

لازم به یادآور است، تعدادی از زندانیان سابق و تعدادی از فعالین سیاسی اجتماعی در حمایت از زنان زندانی سیاسی زندان اوین دست به اعتصاب غذا زدند.

محرومیت شریفه محمدی از دسترسی به خدمات پزشکی

شریفه محمدی، فعال کارگری بیش از ۴۰ روز است که در زندان به سر میبرد و در این مدت به جز چند تماس بسیار کوتاه با فرزند ۱۲ ساله اش، اجازه ملاقات و تماس با خانواده را نداشته است.

وی به خاطر بیماری دیسک کمر به دردهای شدید مبتلا شده و بیماری اش در زندان تشدید شده است. همچنین یکی از انگشت های او در زندان به عفونت مبتلا شده است.

علی رغم اینکه در حال حاضر شریفه محمدی برای درمان به رسیدگی پزشکی فوری نیاز دارد، رجبی باز پرس شعبه ۴ دادرسی رشت کماکان از دادن پاسخ درباره روند پرونده به خانواده وی امتناع می کند.

شریفه محمدی از تاریخ ۱۴ آذر در رشت بازداشت پس از ۲۰ روز به زندان سنندج منتقل شده است. بی خبری از او با توجه به وضعیت تشدید بیماری و به خطر افتادن سلامت وی موجب نگرانی خانواده و دوستانش شده است.

۴ ماه حبس تعزیری برای طاهر اصغرپور معلم و مترجم

طاهر اصغر پور از معلمان استان البرز با حکم تجدید نظر استان البرز به چهار ماه حبس قطعی محکوم شد.

این معلم مترجم آثاری چون جامعه و گفتمان و حکومت و اعتماد عمومی را ترجمه کرده است.

گزارشات مبارزات کارگری و جنبشهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

بد معیشتی و عدم تحقق خواسته هایشان مقابل ساختمان سازمان تأمین اجتماعی اهواز دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

تجمع سراسری بازنشستگان مخابرات کشور

روز دوشنبه دوم بهمن ۱۴۰۲ جمع هایی از بازنشستگان مخابرات در شهرستان های سقز، خرم آباد، شیراز، شهرکرد، بیجار، سقز، تهران، زنجان، همدان، کرمان، ارومیه، کرمانشاه، مریوان، رشت، اردبیل، سنندج، تبریز، اهواز، زاهدان، اراک، اصفهان و ... در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، مطابق تجمعات هر هفته ی دوشنبه های اعتراضی، مجدداً مقابل شرکت مخابرات دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی مشترک بازنشستگان فرهنگی و تأمین اجتماعی در اهواز

روز سهشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۲، جمع هایی از بازنشستگان تأمین اجتماعی، کشوری و فرهنگیان بازنشسته اهواز مجدداً و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته هایشان مقابل ساختمان استانداری خوزستان دست به تجمع زدند.

رژیم جنایتکار اسلامی جهت زهرچشم از اعتراضات سرنگونی طلبانه مردم دست به جنایتی دیگر زد!

روز سوم بهمن محمد قبادلو، زندانی سیاسی ۲۳ ساله ای که در جریان خیزش انقلابی ۱۴۰۱ بازداشت شده بود، در حالی که حکم اعدام او در شعبه یک دیوان عالی کشور نقض شده بود، اعدام کردند. شکنجه گران اسلامی، در دوران زندان، محمد قبادلو را وحشیانه شکنجه کرده و او را وادار به اعتراف اجباری علیه خود کرده بودند و بر اساس پرونده سازی واهی که ناشی از وحشت از اعتراضات سرنگونی طلبانه است او را به قتل رساندن. بر اساس گزارشات منتشر شده وکیل، محمد قبادلو اعلام کرده است، اعدام محمد قبادلو بر اساس قوانین خود رژیم اسلامی غیره قانونی بوده چرا که پرونده موکلش در شعبه یکم دیوان عالی کشور نقض شده بود و سران قوه قضائیه را به موناظره علنی فراخوانده است.

فرهاد سلیمی، ۴۵ ساله اهل سقز، ۱۹ بهمن ماه ۱۳۸۸ بازداشت شد. اتهام او عضویت در یکی از «گروه های سلفی» و مشارکت در ترور یک روحانی نزدیک به رژیم اسلامی به نام عبدالرحیم تینا بود. او این اتهامها را رد کرده بود.

جان بسیاری از ندانیان در خطر اجرای اعدام است!

سران جنایتکار رژیم اسلامی ادامه عمر ننگین خود را در گرو فضای اختناق و سرکوب میدانند از این رو ماشین اعدام را فعالتر کرده اند و جان بسیاری از زندانیان در خطر است از جمله آنها: محسن مظلوم، محمد فرامرزی، وفا آذربار، پژمان فاتحی، رضا رسایی و مجاهد کورکور در معرض خطر قریب الوقوع اجرای حکم اعدام هستند. صدای آنها باشیم.

ما در برنامه جامعه و کارگران ضمن تسلیت به خانواده و بستگان محمد قبادلو و فرهاد سلیمی، رژیم اسلامی را در صدور و اجرایی احکام اعدام محکوم میکنیم و خواهان اعتراضات گسترده به جنایت رژیم اسلامی هستیم.

اعتراضات سراسری در خارج از کشور به گسترش اعدام و سرکوب رژیم اسلامی!



مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر!

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

Saeed_arman2002@yahoo.co.uk

uk

دبیر اجرایی

همایون گدازگر

Homayon_1954@yahoo.de

PARLOW TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،

سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

saidyegan@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی
کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!